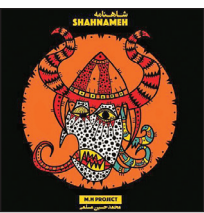


تازه‌ها

آلبوم «شاهنامه» منتشر شد



این آلبوم همان‌طور که از نامش پیداست، در قطعات خود نگاهی به یکی از مهم‌ترین کتب ادبی ایران داشته‌است. شاهنامه فردوسی اثری است که مورد توجه هنرمندان بسیاری در عرصه‌های مختلف بوده‌است. این آلبوم شامل ۱۱ قطعه در سبک تلفیقی است که در آن از سازهای ایرانی و شرقی استفاده شده و هر قطعه راوی یک شخصیت داستان است.

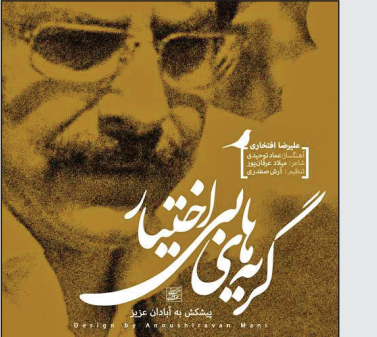
«سهراب»، «سیمرغ»، «گردآفرید»، «تهمورث»، «سیندخت»، «زال»، «رستم»، «سیاوش»، «کاوه»، «تهمینه» و «زاده» عنوان قطعاتی برگرفته از شاهنامه فردوسی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند. بهرنگ معتمدی، امیرحسین کیانیور، نغمه مرادآبادی، جواد عزیزی، سعید وجدان‌پاک، مینا نیازی، شهاب کشمیری‌نژاد، علیرضا علیزاده، آیدین ترکیان، بابک میرزایی، مرگان حسینی و زینب کیان‌ارثی گروه نوازندگان این آلبوم موسیقایی را تشکیل می‌دهند.

محمدحسین مسلمی از جمله هنرمندان جوان موسیقی کشورمان است که از سال ۱۳۸۷ فعالیت‌های هنری خود را در موسیقی آغاز کرد. این هنرمند طی این سال‌ها عمده فعالیت‌های خود را در سبک‌های الکترونیک و تلفیقی عرضه کرده‌است.

آلبوم

«گر به‌های بی‌اختیار» افتخاری برای آبادان

قطعه «گر به‌های بی‌اختیار» با صدای علیرضا افتخاری، آهنگسازی عماد توحیدی، شعری از میلاد عرفان‌پور و تنظیم‌آرش صفدری تولید شده‌است. این قطعه به مردم صبور و داغ‌دیده آبادان تقدیم شده‌است. این روزها نام آبادان در همه‌جا شنیده می‌شود و هر کس سعی می‌کند به‌نوبه خود به مصیبت رخ داده در این شهر واکنش نشان‌دهد، مرکز موسیقی حوزه هنری نیز این قطعه را به همه مردم صبور و داغ‌دیده آبادان تقدیم کرده‌است. نخستین سابقه در خشان همکاری علیرضا افتخاری و عماد توحیدی در آلبوم قلندروار برمی‌گردد. این قطعه در دو نسخه صوتی و تصویری در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌است.



اظهارنظر

دشواری‌های نوازندگان سنتور

تازه‌ترین اثر منتشرشده امیرحسین رونقی، نواختی مترآزاد در دستگاه نواست که به‌صورت باده‌ه و بر مینای ردیف موسیقی دستگاهی ایران اجرا شده و اجرا شده‌است. پشنگ کلمکار-نوازنده‌سنتور- درباره این اثر چنین نوشته‌است: «سنتور،سازِ زهی کوبه‌ای است، اجرای آواز با این ساز آسان نیست، با امکانات محدودساز سنتور اجرای انوع تحریرها و همچنین غلت،مالش و ظرایف دیگر موسیقی آوازی کاری دشوار است. با دو مضارب و بدون استفاده از حس لامسه،روی سیم‌های‌ساز نمی‌توان به‌راحتی، امکاناتی که دیگر سازهای زهی زخمه‌ای و زهی ارشنه‌ای دارند را اجرا کرد همچنین اجرای ویراسیون به شکل صحیح در توالی مضارب‌ها امکان‌پذیر نیست.»از دیگر پیچیدگی‌های اجرای موسیقی مترآزاد (آوازی) باساز سنتور، محدودیت کوب‌رانی‌توان‌نابرد که معمولاً بعد از اجرای چند گوشه اصلی باید از دیگر گوشه‌ها صرف‌نظر کرد. به دلایل ذکر شده نوازندگان سنتور باید بیشتر از دیگر نوازندگان سایر سازها و حتی آوازخوان‌ها تبحر در بسط و گسترش یک گوشه را به‌دست‌آورند، به‌صورتی که بتوانند با اجرای دو یا سه گوشه، باده‌هنوازی متنوعی با زمان کافی داشته باشند.امیرحسین رونقی نوازنده توانمند سنتور، در این باده‌هنوازی، با سنتور دوازده‌خرک (که در گذشته بیشتر معمول بوده‌است)، با استفاده مناسب از خرک‌های دهم، یازدهم و دوازدهم و همچنین پوزسیون چهارم سنتور (پشت خرک‌های زرد) اجرای بسیار خوبی ارائه داده‌است. این اجرا در یک نشست و بدون ویرایش‌های دیجیتال در خرداد ۱۳۹۴ توسط مؤلف ضبط خصوصی شده‌است که اکنون پس از گذشت ۱۷سال به‌صورت دیجیتال منتشر می‌شود.

فرهنگ



عکس: هاشمی‌ننگار/اساغانل

موسیقی اصیل همیشه مخاطبش را دارد

گفت‌وگو با سالار عقیلی به‌بهانه انتشار آلبوم موسیقی «سپردمت به جاده‌ها»

سالار عقیلی، خواننده پرکار موسیقی ایرانی است که بیش از ۲۵دهه با انتشار آثاری ملی، میهنی، حماسی،

عاشقانه و اجتماعی به‌عنوان یکی از سرمداران نسل جوان موسیقی آوازی فعالیت می‌کند. این خواننده که بیش از ۸۰ اثر موسیقایی و کنسرت‌های متعدد داخلی و خارجی را در کارنامه هنری خود دارد، بر خلاف آنچه در آلبوم‌ها را ببینند با ویژگی‌های هر قطعه را با آهنگسازان مختلف منتشر کرد. «خانه تنهایی» به آهنگسازی سعید فرج پوری، «شهر خاموشی» به آهنگسازی ابوالفضل صادقی نژاد و «سپردمت به جاده‌ها» با آهنگسازی مسعود پیروی و تنظیم بهنام ابوالقاسم آلبوم‌هایی است که طی چند ماه گذشته با صدای سالار عقیلی منتشر شده‌اند.

سحر طاعتی گفت‌وگو روزنامه‌نگار

بسیاری از هنرمندان در دوران کرونا از فعالیت دست‌نکشید و با آوازهای خود علاوه بر قدردانی از کادر درمان و همدردی با وقایع روز جامعه، آلبوم‌هایی را با آهنگسازان مختلف منتشر کرد. «خانه تنهایی» به آهنگسازی سعید فرج پوری، «شهر خاموشی» به آهنگسازی ابوالفضل صادقی نژاد و «سپردمت به جاده‌ها» با آهنگسازی مسعود پیروی و تنظیم بهنام ابوالقاسم آلبوم‌هایی است که طی چند ماه گذشته با صدای سالار عقیلی منتشر شده‌اند.

دنبال می‌کنند این آلبوم‌ها را جمع‌آوری کنند. حتی بسیاری از مردم خوب‌مان کلکسیون دارند و آنها را نگه می‌دارند. من به‌عنوان یک خواننده خیلی تمایل دارم که آثار من نیز در آن کلکسیون‌ها باشد. مردم بتوانند آن آلبوم‌ها را ببینند با ویژگی‌های هر قطعه به لحاظ شعر و ملودی و نوازندگان آن آشنا شوند. درست‌است که موسیقی‌هایی که در اینترنت و فضای مجازی پخش می‌شود، ماندگار است ولی شنیدن آن جدیدی برای خواندن بسا ارکستر آورده‌اند به‌نام «شیدا». زمانی که این قطعه را در تمرینات شنیدم، فکر می‌کردم متعلق به مرتضی‌خان محجوبی یا استاد برزنده‌است چرا که حال و هوای موسیقی قدما را داشت. همان موقع از آقای پیروی پرسیدم آهنگساز این اثر چه کسی است؟ گفتند خودم. از آنجا متوجه ویژگی و احساس موسیقایی کارهای ایشان شدم که بسیار حس و حال موسیقی قدما را داشت.همچا‌نبود که به کارشان علاقه‌مند شدم و به این آهنگساز اعتماد کردم که در نهایت منجر به پیشنهاد یک آلبوم شد که هم‌اکنون در بازار موسیقی با عنوان سپردمت به جاده‌ها در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. در این ایوم من دو آواز را در کنار ۶ تصنیف خوانده‌ام که یکی از تصانیف همان قطعه«شیدا» است چرا که یکی از شروط من برای خوانندگی این آلبوم؛ قرار گرفتن قطعه شیدا در کنار دیگر قطعات بود.

این آلبوم در کنار بخش آتلاین، به‌صورت فیز یکی منتشر شده‌است؛ مسئله‌ای که شما طی سال‌های اخیر همیشه به عدم انتشار آثار در قالب سی‌دی فیزیکی انتقاد کرده بودید. متأسفانه مدت‌هاست که آلبوم‌های موسیقی در فضای مجازی پخش می‌شوند که من آن را نمی‌پسندم چرا که یک اثر موسیقی برای من به‌صورت فیزیکی و قرار گرفتن در کتابخانه‌خانه‌های من معنا پیدا می‌کند. خوشبختانه آلبوم سپردمت به جاده‌ها که هم‌کاری با مسعود پیروی و بهنام ابوالقاسم به‌عنوان تنظیم‌کننده و نوازنده پیانو است به خانه‌های مخاطبان من می‌رود. من در طول ۲ دهه فعالیت بیش از ۴۰ آلبوم موسیقی منتشر کرده‌ام که به‌صورت سی‌دی و فیزیکی بوده‌اند چون خیلی دوست دارم مخاطبان ما و کسانی که ما را

بسیاری از استادان قدیم نگاهی متفاوت به نوآوری دارند و آن را در جهت تحریب موسیقی آوازی ایرانی می‌دانند. شما که در برخی آثار تان همانند قطعه نگار دست به نوآوری زده‌اید چه دیدگاهی به این موضوع دارید؟

من به شخصه با نوآوری مخالف نیستم اما چونگیکی بیان آن مهم‌است. در آثار قدما یی‌ام استاد غلامحسین بنان هم نوآوری دیده می‌شد

افتخار اتم این است که مردم آثارم را زمره می‌کنند. به‌عنوان مثال قطعه «طنم» که جزو کارهای ملی و میهنی است معتقدم این قبیل آثارم جزو موفق‌ترین کارهای من بوده‌است.

در همه این سال‌ها که می‌خوانم تا حدی نوع سلیقه مردم و مخاطبان را پیدا کرده‌ام ولی باز هم نمی‌توانم به‌طور قطعی بگویم که مردم از چه کاری استقبال بیشتری می‌کنند چون آقبال یا عدم‌اقبال نسبت به اثری به شرایط گوناگونی چون اتفاقات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به‌طور مستقیم به روحیات مردم بستگی دارد.

اما من دلم می‌خواهد همه اقدشار جامعه کار من را گوش کنند و من به‌عنوان خواننده وظیفه دارم با عوض شدن نسل، موسیقی ام را به‌گونه‌ای هدایت کنم که آنها هم گوش کنند. دوست ندارم آواز هیچ‌وقت فراموش شود چون پایه و ستون اصلی موسیقی سنتی ایران آواز و موسیقی ما آوازی است به همین دلیل همیشه در آلبوم‌هایم آواز می‌خوانم مگر اینکه خود آهنگساز بخواهد. در همین آلبوم سپردمت به جاده‌ها، آواز را درم ولی در بسیاری از آلبوم‌ها فقط تصنیف خوانده‌ام.

من معتقدم که موسیقی سنتنی ما همانند تخت جمشید و سی‌وس یی‌پل می‌ماند چون ریشه در فرهنگ و سنت‌های ما دارد و هیچ‌وقت نه فراموش می‌شود و نه از بین می‌رود و از این باب من اصالت‌گران نیستم. خوشبختانه موسیقی اصیل همیشه مخاطبان خودش را دارد و روز بروز بر تعدادشان افزوده می‌شود اما در عین حال هم نمی‌توانیم همه مردم را مجبور به گوش کردن موسیقی سنتی کنیم چرا که موسیقی سلیقه‌است.

شما به یکی از پرکارترین خواننده‌های موسیقی سنتی ایرانی شهرت دارید. حتی در دوران کرونا که بسیاری از هنرمندان فعالیتت نداشتند از شما چندین آلبوم و تک آهنگ منتشر شد. متأسفانه کرونا باعث شد شرایط اقتصادی، شرایط موسیقی، تئاتر، سینما و کلا هنر به‌هم بریزد. من نیز درگیر این بیماری شدم ولی کم‌ا‌کان کار می‌کردیم و از کار بازنایستادم. ادیت‌شدیم ولی نگذاشتیم شرایط ما به غلبه کند. به شرایط کاری خودم امی‌دارم چون ایده‌های زیادی در ذهنم است و با این ایده‌ها جلو می‌روم و امی‌دارم به کارهای کنونی و حتی آینده‌هستم و احساس می‌کنم می‌توانم کارهای جدید و خدمات جدیدتری به مخاطبان مان ارائه دهم. من همیشه سیاست‌گزار مردم هستم که از من و صدایم حمایت می‌کنند.

همه استادان بزرگ موسیقی ایران که امروزه نام‌شان جزو افتخارات هنر ایران محسوب می‌شوند نیز روزی جوان بودند و اتفاقاً در جوانی آثاری خلق کردند که همان آثار جزو قطعات ماندگار موسیقی ایران هستند. به‌عنوان مثال استاد پرویز یاحقی در سن ۱۸ سالگی قطعه «مید جان» را برای استاد غلامحسین بنان ساخته که همان زمان کشور را تکان داد. دایره مخاطبان شما به‌واسطه تنوع کارهای تان که عاشقانه، ملی و میهنی است گسترده‌است. با توجه به تغییر و تحولات جامعه و تغییر سلیقه شنیداری نسل جوان چگونه باید توقع شنیداری نسل جدید را برآورده کرد؟ از نخستین کارم که سال ۱۳۸۰ منتشر شد تا به امروز در یک دهه‌ای کارهای جلو رفته‌ام و دوست دارم آثارم همیشه با همان حس و حال منتشر شود. یکی از داشته‌باشند؛ چرا که هم‌زمان خلق می‌شوند و با هم پیش می‌روند و این خود دلیلی برای نازل شدن برخی آثاری است که متأسفانه در سبک پاپ بیشتر دیده می‌شود. در واقع اشعارمان سطحی‌شده و نمی‌شود روی اشعار سطحی، ملودی هیجان‌انگیز و دارای محتوا خلق کرد. البته همه تقصیرها گردن شعران نیست؛ چرا که جامعه ما تغییر کرده و وارد این دگردیسی شده که خودش در خودش موسیقی و شعر را نابود می‌کند. می‌توان گفت رها بودن ذهن آهنگساز به دلیل اینکه درگیر شعر نشده یکی از دلایل انتخاب اسم آلبوم بوده‌است؟ تأثیرگذار بوده‌است اما بیشتر روایت احوالات درونی و مشغولیت‌های ذهنی من در یک بازه زمانی بوده. مجموعه سپردمت به جاده‌ها به‌نظرم خیلی تصویری‌تر است، یعنی می‌تواند تداعی‌کننده یک قاب باشد. چرا از نوازندگان جوان برای اجرای آثار تان استفاده نکردید؟ آبانوازندگان که خروجی دانشگاه‌ها هستند قابلیت اجرا ندارند؟ مادر این آلبوم از آنجا که برای هر سازی نقش سولیستی را در نظر گرفتیم سعی کردیم تا حد امکان از بهترین نوازنده‌ها استفاده کنیم. خوشبختانه طی سال‌های اخیر نوازنده‌های دانشگاهی و ی‌س‌فارغ‌التحصیلان به ارکسترهای مختلف همچون ارکسترهای ملی، ارکستر سمفونیک تهران و دیگر ارکسترهای اره پیدا کرده‌اند. همه آنها نوازندگان بسیار خوبی هستند اما من به‌عنوان آهنگساز و مدرس در دانشگاه، معتقدم که نوازندگان جوان بایستی در یک مسیری کسب تجربه کنند، در ارکسترها هنروازی کنند، تکنوازی مستقل داشته باشند و بعد از پخته‌شدن وارد مقوله ضبط استودیویی بشوند و بعد به‌عنوان سولیست در ارکسترها و بعدها در ضبط نقش سولیست داشته باشند.

فرهنگ

یادداشت

بهنام ابوالقاسم؛ آهنگساز و نوازنده پیانو

موسیقی‌هایی که شنیده نمی‌شوند



در شرایط کنونی یکی از معضلات اصلی بشری بحران هویت است، ما انسان‌ها سندرومی به‌نام سندروم بازگشت به خانه داریم که در بسیاری از لحظات زندگی اعم از روابط انسانی و کاری به این سندروم رجوع می‌کنیم. این همان سابقه فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی ماست که اسمش را نوستالژی می‌گذاریم که متأسفانه بین ما و این سابقه فرهنگی شکاف و گسست عمیقی به‌نام جایگاه اجتماعی وجود دارد که ما را از رسیدن به خانه بازمی‌دارد. یکی از مشکلات ما این است که چگونگی به آن خانه برسیم، از همان قدم اول نگرانیم اگر به آن خانه برسیم و در آن نقطه زندگی کنیم هیچ پذیرشی از سوی اجتماع امروزی برای آن وجود ندارد و ازسوی جامعه هم منتهم به در جازدن در کارمان می‌شویم و مجموع اینها می‌شود اضطراب جایگاه اجتماعی که در این اضطراب در تمامی لحظات خودمان را قضاوت می‌کنیم. من در جایگاه آهنگساز و تنظیم‌کننده آثار بسیاری خلق می‌کنم اما اصلاً متوقع و امیدوار نیستم که کارم مورد قبول جامعه واقع شود چرا که امروزه کسی این سطح از دغدغه‌مندی را گوش نمی‌کند البته ناگفته‌نماند که اگر بازخورد این را داشته باشیم که تعداد زیادی آثارمان را گوش کرده‌اند باید به خود شک کنم. آلبوم «سپردمت به جاده‌ها» آخرین اثری از من در جایگاه تنظیم‌کننده‌است که هم‌اکنون در بازار موسیقی منتشر شده‌است. اثری است که فقط و فقط متعلق به ذهن آهنگساز است و به‌واسطه مراده‌ای که ما (من و مسعود پیروی آهنگساز اثر) طی سالیان سال با هم داشته‌ایم آشکارا در ارائه این ملودی‌ها همسوز شده‌ایم. شاید به‌واسطه نوع خلق این اثر و اینکه ابتدا ملودی ساخته شده و سپس کلام روی آن قرار گرفته، شباهه موسیقی گل‌هایی به آن بدهند که باید بگویم ما اگر خواسته و با تفکر قبلی هم می‌خواستیم این کار را بکنیم قطعاً اثر خوبی ساخته نمی‌شد برای اینکه برای ساخت آن نوع موسیقی باید در همان دوران زیست می‌کردیم. ما باید برای حال امروزمان و در قرنی که زندگی می‌کنیم که با انواعی از اخبار متنوع روبه‌رو هستیم؛ موسیقی بسازیم نه برای سلیقه جامعه بلکه برای خودمان. اگر ۳۰سال پیش کسی از من می‌پرسید تو برای چه مخاطبی موسیقی می‌سازی؟ جوابم جامعه هدفی بود که برایشان فعالیت می‌کردم اما امروز از آن جامعه هدف فاصله گرفته‌ام. من جای دیگری هستم. من برای خودم موزیک می‌سازم و اگر مخاطبی آن را گوش کرد خوش‌اش آمد من هم خوشحال می‌شوم و گر نه باز هم مشکلی نیست. این نوع نگرش شخصی به ساخت آثار موسیقایی است که من به این شخصه برای خودم می‌سازم اما باز نمی‌توانم این نگرش را در آثاری که در نقش تنظیم‌کننده حضور دارم تعمیم دهم چرا که آن کارها به‌واسطه این هستند که در تنظیم آلبوم سپردمت به جاده‌ها سلو‌هایی همراهی و همدلی بیش از ۲ دهه کاملاً به خط فکری موسیقایی هم واقف هستیم. من در تنظیم آلبوم سپردمت به جاده‌ها سلو‌هایی نوشتم که از همان بود کار برای شخص نوازنده آنها را نوشتم. این موضوع در تمام دنیا رایج‌است که قطعاتی برای نوازنده به‌خصوص نوشته شود که من نیز در آثارم همیشه اینگونه عمل می‌کنم. در این اثر نیز کلارینت را فقط برای شیوه نوازندگی سایوری شفیع و ویلنسل را برای آتنا اشتیاقی نوشتم نه برای سازشان. طی سال‌های اخیر مباحثی چون حمایت از نسل جوان نوازنده بسیار مطرح شده‌است خصوصاً برای ما که در محیط آکادمیک دانشگاه تدریس می‌کنیم این توقع وجود دارد که در آثارمان از حضور نوازندگان دانشگاهی بهره ببریم. من به‌عنوان مدرسی که سال‌ها در دانشگاه‌های مختلف تدریس کرده‌ام بر این باورم که دانشگاه نوازنده‌های خوبی تربیت می‌کند که خیلی هم خوب ساز می‌زنند اما دلیل نمی‌شود همه اینها نوازنده‌های استودیویی شوند. استودیوساز دهن بسیار متفاوت است. نوازنده باید خیلی در زمینه کار خودش پیشرفت کرده باشد که در استودیوساز بزند.

نگاه رضا فرهادی؛ مدیر استودیو کرگدن

زی‌ساخت‌های فرهنگی با موسیقی

چیزی که من در موسیقی فعلی به‌شدت احساس می‌کنم، کمبود شنیداری است. ما موسیقی‌های بسیار غنی از گذشته داریم که امروزه دیگر شنیده نمی‌شوند. درواقع زنجیره آن موسیقی‌ها یک جایی باز شده‌اند. تا اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ یک بازه زمانی پررونده آن موسیقی‌ها بسته شد و امروزه وقتی موزیکی می‌شنویم که کمی به گذشته مرتبط است توچه‌مان را به‌شدت جلب می‌کند اما همانطور که می‌بینیم بخش اعظمی از تولیدات موسیقی این روزها فاصله خیلی زیادی با موسیقی دستگاهان ما دارند. درواقع نه در ملودی، نه در تنظیم و نه در اشعار ارتباطی با گذشته دیده نمی‌شود. البته در زمینه موسیقی‌سازی هم همین اتفاق افتاده‌است. در دهه ۷۰ به‌شدت موسیقی آوانگارد در ایران توسط هنرمندانی چون علیرضا مشایخی، نادر مشایخی، احمد پژمان، محمدسعید شریفیان و… بسط و گسترش پیدا کرد و وزنه آن سنگین شد. موسیقی کلاسیک و ارکسترال نیز همین روند را طی می‌کرد اما متأسفانه بعضی‌ها به‌خاطر اینکه توانایی زیادی در بخش موسیقی جدی نداشتند و از موج موسیقی‌های نازل پیوستند و به‌واسطه نداشتن پیشینه و دانش روی موج اتفاقات روزمره حرکت کردند که ماحصلش شرایط امروزی موسیقی ما شده‌است. کسی نمی‌گوید موسیقی پاپ بد است چرا که موسیقی روزمره است اما بحث حمایت از زی‌ساخت‌های فرهنگی است. در تمام دنیا یکسری ارگان‌های دولتی با مراکز خصوصی از موسیقی جدی که زی‌ساخت‌های فرهنگی را می‌سازد و بخش‌اش هم مصرف روزانه و سالانه نیست، حمایت می‌کنند. پیشینه موسیقی‌ای ما به دهه ۳۰ برمی‌گردد که اوج شکوفایی موسیقی است و از آن به‌عنوان معیار فرهنگ موسیقایی یاد می‌کنیم اما تا به حال برای حفظ و نگهداری‌اش چه کار کردیم؟ برای ارکستر ملی ایران چه کردیم؟ این ارکسترال کجاست؟ ثبت و ضبط آثار اجرایش کجا صورت گرفت و چه اتفاقی برایش افتاد؟ سرنوشت بسیاری از گروه‌های خوب موسیقی چه‌شد؟ ارگان‌های فرهنگی به‌شدت موظف هستند از موسیقی جدی برای زی‌ساخت فرهنگی حمایت کنند و هیچ جایگزینی نیز برای این حمایت درست و مناسب وجود ندارد. بروز و ظهور موسیقی‌هایی که امروز شهرمان را پر کرده‌اند که معتقدم اصلاً قابل شنیدن نیستند، باعث شده‌مردم خیلی موسیقی باکیفیت گوش نکنند؛ چون در آن صورت مجبور به تعمق و فکر کردن می‌شوند و متأسفانه این روزها نیز کسی فکر نمی‌کند. کسی موسیقی بی‌کلام گوش نمی‌کندو تنها ریب بین‌شنونده موسیقی، خواننده شده‌است و اگر روزی خواننده و موسیقی ایران حذف شود کسی دیگر موسیقی کار نمی‌کند و مخاطبی هم نخواهد داشت.